



## تاریخچه

بررسی تاریخی تلاش جهت شناخت آینده را می توان در چند زمینه بیان کرد؛ از جمله:

### ستاره بینی (تنجیم)

ابن خلدون در "مقدمه ی" معروف خود می گوید: « فعالیت های پیش گویی بر پایه ستاره شناسی و طالع بینی در گذشته و به خصوص در صدر اسلام بازار بسیار گرمی داشته است. همه - از دوست و دشمن - می خواستند بدانند که طول عمر دولت بنی امیه چقدر خواهد بود».

از این منظر، زندگی دارای الگوهای نگاشت یافته و ترسیم شده در حرکت ستاره ها است. جایگاه هستی شناسی آن به هماهنگی آسمان و زمین ارتباط دارد.

هدف ستاره بینی، کمک به افراد جهت اجتناب جستن از شرایط خطرناک از طریق ارایه ی یک نظام هشدار اولیه است. هدف پیشگویی آینده است تا بتوان آن را به صورت فردی کنترل کرد.

## تاریخچه

لازم به ذکر است که تنجیم بردو گونه اعتقاد مبتنی است:

۱- اعتقاد به استقلال حرکات فلکی و عوارض سیارات و یا مشارکت آنها با خداوند در اثرگذاری و ایجاد حوادث.

۲- اعتقاد به اینکه خداوند متعال برای پیدایش هر پدیده ای سببی قرار داده است که امور عالم را به وسیله آن تدبیر می کند و حرکات فلکی و عوارض سیارات را برای رخداد حوادثی از جمله این اسباب قرار داده است.

بزرگانی چون بیرونی و نصیرالدین طوسی درباره آن قلم زده اند و در قرن هفتم هجری سید بن طاوس نیز کتابی پیرامون حلال و حرام احکام نجوم نوشت.

# تاریخچه

## پیش‌گویی

پیش‌گویی یعنی خبردادن از رویدادها و تغییرات آینده که می‌تواند از مجرای وحی و گاه مبتنی بر شهود و رویا باشد. حتی افراد عادی نیز می‌توانند از طریق رویا، بعضی رویدادهای آینده را پیش‌گویی کنند.

ویلیام دابلیو هالو (۵: ۱۹۹۳) معتقد است که می‌توان تعبیر خواب را دیرینه‌ترین روش پیش‌گویی دانست؛ او نمونه‌ای از کاربرد این روش را بیست و پنج قرن پیش از میلاد مسیح در سومر ذکر کرده است.

ابن خلدون در کتاب معروف خود پس از اینکه شرح مبسوطی راجع به پیشینه و انواع شگردهای پیش‌گویی بیان می‌کند، از گرم‌بودن بازار پیش‌گویی در سده‌های آغازین تمدن اسلامی خبر می‌دهد.

در پیش‌گویی فرض می‌شود که افرادی خاص دارای دسترسی به سطوح عمیق‌تر ذهن هستند و در نتیجه می‌توانند آینده را ببینند؛ نه تنها می‌توانند آینده را مرور کنند، بلکه مهم‌تر از آن به عنوان غیب‌گو تصویر آینده را مجسم می‌کنند.

# تاریخچه

## غیب گویی

یکی دیگر از عواملی که می توان در بررسی تاریخی مورد توجه قرار داد غیب گویی است. غیب گویی به شیوه های گوناگون در تمام جوامع دیده می شود.

طالع بینی (به عنوان یکی از روش های غیب گویی)، بر اساس پیشینه تاریخی آن در فرهنگ های مختلف، با بررسی صورت بندی برخی اندام های حیوانات بوده است. در این بررسی ها اندام هایی مانند ریه ها، کیسه صفرا، روده، قلب، معده و کبد حیوانات مورد توجه بوده اند و برخی صورت بندی های خاص این اندام ها را با پیشامدهایی مرتبط می دانستند که در همان زمان (یا اندک زمانی پس از آن) روی می دادند.

دیگر روش های غیب گویی را می توان چنین برشمرد:

مشاهده طرح هایی که هنگام شعله ور شدن آتش به وجود می آیند (غیب گویی از طریق شعله آتش)  
نگاه کردن به طرح های استخوان کتف که بر اثر آتش ترک برداشته است (غیب گویی از طریق استخوان کتف)

مشاهده فرآیند بسته شدن پنیر (غیب گویی از طریق پنیر)

## تاریخچه

### آرمانشهر

آرمانشهر یا ناکجا آباد یا مدینه فاضله، کشوری خیالی است که در آنجا زندگانی مردم کامل و قرین رستگاری است.

کتاب جمهوری افلاطون آغازگر سنت آرمانشهری بود که در گسترش مطالعات آینده نقش مهمی ایفا کرد. افلاطون در کتاب خود در مورد یک جهان آینده مبتنی بر عدالت به عنوان اصل قدرت و اختیار بحث می کند.

سن آگوستین، یک شهر آینده خدایی مبتنی بر عشق در تقابل با یک شهر زمینی مبتنی بر غرور ساخت. در انگلستان نیز سر توماس مور نیز کتاب اتوپیا را نوشت که طنزی بر حکومت و جامعه بود و با الهام از جمهوری افلاطون نوشته شده بود و نقطه عطفی در این زمینه محسوب می شود و دیدگاه های اتوپیایی نسبت به آینده با آرمان شهر او به بلوغ رسید.

یک قرن بعد، انگلیسی دیگری آرمانشهر دیگری آفرید که در پیشبرد تفکر آینده نگرانه اهمیت بیشتری یافت. کتاب سر فرانسیس بیکن، به نام اتلانتیس نو، جامعه ای آرمانی را توصیف می کند که بر پایه ی علوم بنا شده و در جزیره ی خیالی بن سالم قرار دارد.

# شکل گیری آینده پژوهی جدید

رویکرد نظام مند برای مطالعه آینده، مبتنی بر تحقیقات روشمند با استفاده از روش های کمی و کیفی، تا اواخر سال های دهه ۵۰ میلادی، پدیدار نشد؛ رویکردی که به طور همزمان، در ایالات متحده آمریکا و فرانسه به وجود آمد (سردار، ۱۳۹۶: ۳۹-۴۱).

سرمایه گذاری نظام مند در باب آینده از طریق بررسی چشم اندازها و بدیل های متنوع و با روش های ویژه ی کاربردی در پیش گویی و پیش بینی آینده ی ممکن و مطلوب، فرآورده ی منحصر به فرد غرب است (بنت زکریا، ۲۰۱۰: ۵۲).

تام ویستون معتقد است که، علاقه به مسائل آینده چیز تازه ای نیست، اما به تازگی این علاقه، سبب پیدایش تحقیقات نظام مند جدیدی درباره ی رویدادهای ممکن در آینده، شده است (ویستون، ۱۹۷۹: ۱).

آلن ای تامپسون نیز معتقد است که: در چند سال گذشته، علاقه به آینده، افزایش شدیدی داشته است. دلایل اصلی برای این مطلب عبارتند از: درک اینکه بسیاری از مسائل حاضر نتیجه ی تصمیم گیری های بد گذشته و میزان سریع تغییراتی است که به سبب اثرات فزاینده ی پیشرفت ها در علوم و فناوری ها، هم اکنون در حال رخ دادن است (تامپسون، ۱۹۷۹: ۷).

# شکل‌گیری آینده پژوهی جدید

با وجود توسعه‌ی آینده‌پژوهی در اروپا که توسط آثاری از آینده‌پژوهان مستقل، آشکار شد، توسعه‌ی آینده‌پژوهی در ایالات متحده تا حد زیادی توسط موسسات ملی، همچون صندوق قرن بیستم، موسسه‌های هادسون و رند به جنب‌وجوش درآمد و آغاز شد (پولاک، ۱۹۷۱).

در آمریکا مطالعه آینده در موسسه رند آغاز شد. رند به عنوان یک اتاق فکر مستقل در سال ۱۹۴۸ برای به عهده گرفتن کار تحقیق و توسعه نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا تاسیس شد و از آن پس در تعریف استراتژی نظامی آمریکا موثر بوده است.

در سال ۱۹۶۴، اولاف هلمر و تئودور گوردون، دو عضو برجسته رند، ادعا کردند که یک نظریه عمومی در مورد پیش‌بینی کشف کرده‌اند که می‌تواند به مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با همان اطمینانی رسیدگی کند که با مسائل در فیزیک و شیمی برخورد می‌شود.

تکنیک پیش‌بینی آنها به عنوان روش پیش‌بینی دلفی شناخته شده است که با وجود محدودیت‌های خود، سرآغاز پیشرفت سریعی در پیش‌بینی شد.

علم جدید آینده، "آینده‌شناسی" نام گرفت و مشتاقانه از جانب موسسات، دانشگاه‌های مشخص و سازمان‌های دولتی ایالات متحده آمریکا پذیرفته شد و توسط موسساتی چون رند، کنگره آزادی فرهنگی و بنیاد فورد توسعه یافت.



# شکل گیری آینده پژوهی جدید

ظرف ۵ سال، "آینده شناسی" رونق جهانی یافت. کمیسیون ها، موسسات و ادارات دولتی به منظور برنامه ریزی های آینده و بلند مدت در اروپا و ژاپن و سپس در اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای اروپای شرقی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه تاسیس شدند. اقدام هرمان کان نیز به پیشرفت آینده شناسی کمک کرد. او موسسه رند را در سال ۱۹۶۱ ترک کرد تا موسسه هادسون را تاسیس کند (سردار، ۱۳۹۶: ۴۰-۴۳).

در بافت اروپایی، تاثیر عمده در توسعه آینده پژوهی از فرانسه، ناشی می شود. در فرانسه، آثار گاستون برگر، پیر مس، برتراند دوژوونل و جروم مانود، تاثیرات شگرفی در شکل گیری اولیه آینده پژوهی در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ داشت (ماسینی، ۲۰۰۱).

گاستون برگر اصطلاح "دورنگری" را برای تاکید بر اینکه آینده هم جبرگرایانه و هم آزاد است و منفعلانه به مردم تحمیل می شود، اما همچنین فعالانه اراده می شود، ابداع کرد.

# شکل گیری آینده پژوهی جدید

برگر در سال ۱۹۷۵ مرکز بین المللی دورنگری را در پاریس تاسیس و یک سال بعد، مجله پراسپکتیو را منتشر کرد که به مطالعه آینده اختصاص داده شده بود.

در هلند، فردریک پولاک، متفکر هلندی سال ها بر روی مفاهیم آینده پژوهی در تمدن غربی کار کرد. اثر کلاسیک وی، "تصویر آینده» (The Image of the Future) در سال ۱۹۵۵ به چاپ رسید و استدلال کرد که هم رنسانس و هم مارکسیسم، محصول تصاویر آینده بخصوصی هستند.

اروپا طی سال های ۱۹۶۰ جامعه ای از محققان، دانشمندان و فلاسفه را پروراند که خود را وقف آینده پژوهی کرده بودند و همگی فهرست قابل توجهی از مقالات و کتب داشتند.

حدودا در همان زمان که موسسه رند، پژوهش خود را درباره روش دلفی منتشر کرد، اثری بسیار تاثیرگذار از برتراند دو ژوونل، فیلسوف فرانسوی در پاریس منتشر شد که توضیحی فلسفی و نظام مند برای اکتشاف آینده ارائه می داد. این امر، تفاوت های میان رویکردهای اروپایی و آمریکایی نسبت به آینده را روشن ساخت.

# شکل گیری آینده پژوهی جدید

در حالی که آمریکایی ها، "آینده شناسی" را به عنوان یک علم توصیف کرده بودند، ژوونل کتاب خود را "هنر تخمین" (The Art of Conjecture) نامید.

رویکرد آمریکایی بر آینده تاکید می کند و آن را به عنوان یک فضای جبرگرایانه و نزدیک ارائه می کند؛ در حالی که ژوونل بر انتخاب تاکید می کند و درباره آینده های ممکن صحبت می کند که می توانند توسط تخیل ما که منجر به جهانی انسانی از اولویت ها می شود، ساخته شوند. او برچسب "آینده شناسی" را رد و اصطلاح "فوتوریبله" (Futuribles) را استفاده کرد؛ با تاکید شدید بر روی صیغه جمع در آینده های ممکن که می توانند از دل زمان حال پدیدار شوند.

ژوونل به منظور ایجاد شبکه ای از محققان فعال در حوزه آینده اندیشی به کار خود ادامه داد و چندین کنفرانس در مورد روش شناسی های تفکر آینده ترتیب داد. او انجمن بین المللی فوتوریبله مستقر در پاریس را بنیان نهاد و از آن مجله فوتوریبله را منتشر کرد.

# شکل گیری آینده پژوهی جدید

وندل بل نیز مسیرهای متعددی را به عنوان خواستگاه های جدید آینده پژوهی و مسیرهای توسعه آن معرفی می کند. این مسیرها عمدتاً عبارتند از:

۱. تلاش های دابلیو اف آگبرن ، رئیس کمیته تحقیقاتی روندهای اجتماعی و همکاران وی در سال ۱۹۲۹، در تحلیل روندهای اجتماعی، و شناخت جهت گیری های آتی تحولات اجتماعی و تاثیرات اجتماعی فناوری.
۲. تلاش های ایزرایلی در کنکاش احتمالات آتی و ارزیابی مردم از آنها در جهت افزایش آگاهی جامعه نسبت به آینده.
۳. تلاش های برنامه ریزان ملی در طراحی روش هایی برای آینده اندیشی در جهت مدیریت جنگ جهانی اول، غلبه بر رکود اقتصادی بزرگ، هدایت تحولات اجتماعی در روسیه کمونیستی، ایتالیای فاشیستی و آلمان نازی و در نهایت یافتن راهبردهایی برای اداره جنگ جهانی دوم و بازسازی جهان پس از جنگ.

## شکل گیری آینده پژوهی جدید

۴. پیدایش حدود صد و بیست کشور جدید با نابودی امپراتوری های استعماری بعد از جنگ جهانی دوم. این تجدید ساختار عظیم جهانی باعث ترویج آینده اندیشی شد. رهبران کشورهای جدید، تصمیم هایی برای استقلال ملی اتخاذ کردند تا از یک سو به واقعیت های موجود در کشورهای خود سامان دهند و از سوی دیگر، این واقعیت ها را با آرمان ها و انگاره های ملت های خود درباره آینده ای بهتر سازگار کنند.

۵. تشکیل تعداد زیادی اندیشکده از جمله اندیشکده رند و پایه گذاری تحقیق در عملیات بعد از جنگ جهانی دوم. این پژوهشگران عملیاتی و اعضای اندیشکده ها، برخی از نخستین روش ها و نمونه های پژوهش درباره آینده های در حال ظهور را به عنوان ابزاری برای کمک به تصمیم گیران ابداع کردند.

۶. تشکیل کمیته ی سال ۲۰۰۰ توسط فرهنگستان هنر و علوم آمریکا که شامل اندیشمندان نخبه ای از دانشگاه ها، دولت، شرکت های سهامی و بنیادها در ایالات متحده بود. این کمیته برای آینده پژوهی، اعتبار، رهبری فکری و نمونه هایی بارز را به همراه داشت؛ نمونه هایی نظیر ظهور جامعه پسا صنعتی اثر بل و سال ۲۰۰۰ اثر کن و وینر.

## شکل گیری آینده پژوهی جدید

۷. تاسیس باشگاه رم در سال ۱۹۶۸ و انتشار کتاب حدود رشد در سال ۱۹۷۲ باعث گسترش آینده پژوهی شدند تا به مقوله ظرفیت های بلند مدت حفظ حیات در کره زمین پردازند. توجه به دورنمایی جهانی که تمام بشریت را در بر می گیرد نیز از دیگر دستاوردهای کتاب حدود رشد و باشگاه رم بود.

۸. پژوهشگران منفرد به ویژه اچ دی لاس ول و پیشرفت در علوم سیاسی که به توسعه آینده پژوهی کمک کردند و اهداف آینده پژوهی را برشمردند و ابزارهایی مفهومی برای آن پدید آوردند.

# شکل گیری آینده پژوهی جدید

آیا می توان آینده پژوهی را به عنوان یک حوزه دانشی مستقل و جدید لحاظ کرد؟

تا سال ۱۹۹۷، آینده پژوهی اغلب ویژگی های یک حوزه کندوکاو مستقل را به دست آورده بود. آینده پژوهی تا آن زمان از کارشناسان تمام وقت، شبکه های ارتباطی و انجمن های حرفه ای رسمی، واحدهای درسی و تعدادی دوره آموزشی کامل در دانشگاه ها، همایش ها و نشست ها، صدها اثر انتشار یافته در هر سال، اهداف مشترک، مجموعه ای از روش های مشخص، مفروضات زیربنایی و سرمشق هایی مشترک که در مجموعه این دانش قد برافراشته بودند، برخوردار بود. افزون بر این، تاریخ توسعه آینده پژوهی از مرز سی سال گذشته بود؛ جامعه آینده پژوهان به مرور شکل می گرفت و مشارکت افراد و سازمان های پیشگام در این حوزه بیش از پیش نمایان می شد.

پیشنهاد بل: به دلیل تنوع موضوع های مطرح در آینده پژوهی، بهتر است به جای رشته ای مستقل، آن را حوزه ای چندرشته ای یا فرارشته ای بنامیم.

# اصطلاح شناسی

اصطلاحی که به طور بسیار گسترده ای در ایالات متحده آمریکا، استفاده می شود، عنوان آینده پژوهی (Futures Studies) است؛ اما در قاره اروپا، به خصوص در فرانسه و اسپانیا، مطالعه آینده هنوز هم با عنوان دورنگری (Prospective) یا مطالعات دورنگر (Prospective studies) به کار می رود. حوزه آینده اندیشی (Futures field) نامی است که آمارا پیشنهاد داد و به شکلی گسترده مورد استفاده قرار گرفت. برخی نویسندگان همچون مارین به این نام گذاری اعتراض کردند.

آینده پژوهان در توصیف عملکرد خود به طور گسترده، از پژوهش درباره آینده (Futures Research) نیز استفاده می کنند، اما پژوهش نمی تواند توصیف مناسبی برای تمامی مکتوبات این حوزه باشد.

برخی آینده پژوهان، به ویژه در اروپا، اصطلاح آینده شناسی (Futurology) را به کار می برند، اما این اصطلاح در میان آینده پژوهان آمریکایی چندان متداول نیست. فوتوریل (آینده پذیری) نیز هرگز در ایالات متحده رواج نیافت و به مرزهای اروپای غربی محدود شد.



# اصطلاح شناسی

پیش گویی (Prognostics) نیز اصطلاحی است که بیشتر در روسیه و اروپای شرقی از آن استفاده می شود.

برخی آینده پژوهان از جنبش آینده اندیشی (Futures movement) نام می برند که بی تردید از واپسین سال های دهه شصت میلادی، بخش مهمی از آینده پژوهی را به خود اختصاص داده است و در حال حاضر نیز کمابیش از این شرایط برخوردار است.

ضعف آینده گرایی (Futurism) به عنوان نامی برای حوزه آینده اندیشی در این است که این واژه هنوز هم جنبش هنری در اوایل قرن بیستم را تداعی می کند در صورتی که به نظر نمی رسد ارتباط مستقیمی میان ریشه های آینده اندیشی امروزی با جنبش هنری آینده گرایی وجود داشته باشد.

آینده گرایی (Futuristics) در خلال دهه ۷۰ متداول بود، اما اکنون دیگر به کار نمی رود.

عنوان نسبتاً ناپسند آینده نگری (Futuring) که توسط ادوارد کورنیش و جری گلن در سال ۲۰۰۴ پیشنهاد شد، هنوز و بیشتر توسط انجمن جهانی آینده به منظور توصیف فرایند مجسم سازی فعالانه آینده، مورد استفاده است.

# اصطلاح شناسی

آینده نگاری (Foresight) واژه ای است که نخستین بار توسط اچ جی ولز، نویسنده ادبیات علمی تخیلی ابداع شد. او می خواست جهان را برای امور آینده آماده سازد. این واژه که در دهه اول قرن بیستم متداول شد و اینک به طور گسترده در حوزه مدیریت و مدارس کسب و کار مورد استفاده است، بر آنچه احتمال دارد در سازمان رخ دهد، متمرکز است تا بتوان تصمیم های بهتری به منظور مدیریت خطرات و پیشامدهای احتمالی اتخاذ کرد. آینده نگاری گاهی اوقات به عنوان جایگزینی برای آینده پژوهی استفاده می شود، اما درست تر است به عنوان زیرمجموعه ای از آینده پژوهی که متمرکز بر آینده های سازمانی است، در نظر گرفته شود.

به کارگیری اصطلاح پیش بینی (Forecast) به عنوان جایگزینی برای آینده ، سرگردانی ایجاد می کند. این سرگردانی زمانی رخ می دهد که پیش بینی به عنوان تنها روش مطالعه آینده در نظر گرفته شود. از آن بدتر آنکه پیش گویی (Prediction) و پیش بینی اغلب در ادبیات آینده پژوهی به عنوان مترادف به کار می روند.

# اصطلاح شناسی

تعدادی از اصطلاحات مانند برنامه ریزی مبتنی بر سناریو (Scenario planning) ، مدیریت راهبردی (Strategic management) و آینده نگاری راهبردی (Strategic foresight) با تمرکز بر حوزه مدیریت ظاهر شدند. همه این اصطلاحات به طور اساسی، یک رویکرد عملی به آینده را توصیف می کنند.

در نظر سنجی سال ۱۹۷۵ از اعضای انجمن آینده جهان، تنها دو نام با واکنش کاملاً مثبت مخاطبان رو به رو شد: آینده پژوهی و پژوهش درباره آینده (Futures Research). نام های دیگر به ترتیب عبارت بودند از تحلیل آینده (Future Analysis)، آینده گرایی، پیش بینی، آینده شناسی، پیش گویی، فیوچریکس (Futurics) و فوتوریبل.

از واژگان و اصطلاحات دیگری که به منظور توصیف مطالعات آینده به کار رفته است و کاربرد بسیار محدودی داشته اند و یا به رغم پیشنهاد نویسندگان مختلف، در کسب اقبال عمومی توفیق چندانی به دست نیاورده اند، می توان به مطالعه تغییر ، شناخت آینده ، دانش گمانه زنی ، پسا تاریخ ، علم آینده ، اقتضائات مشروط آینده ، ریاضیات اجتماعی ، رویکرد سناریوها ، تجزیه و تحلیل دورنگری اشاره کرد.

# تعریف آینده پژوهی

لاس ول در سال ۱۹۳۵ ساختار روبه رشد (The development construct) را به عنوان ابزاری تحلیلی ابداع کرد و در سال ۱۹۳۷ و به ویژه در سال ۱۹۴۱، آن را به مثابه یکی از جنبه های روش ابتکاری خود برای اندیشیدن به آینده، شرح و بسط داد. وی پنج کارکرد مشخص را برای مطالعه ی آینده بر شمرده است:

۱. شفاف سازی اهداف و ارزش ها؛
  ۲. توصیف روندها؛
  ۳. تبیین شرایط؛
  ۴. تصویرسازی از آینده های ممکن و محتمل در صورت تداوم سیاست های کنونی؛
  ۵. ابداع، ارزیابی و انتخاب گزینه های بدیل سیاستی (برای دستیابی به اهداف مطلوب).
- آینده پژوه برای تحقق کارکردهای مورد تاکید لاس ول، روندها را توصیف و شرایط را تبیین می کند و سپس با در نظر گرفتن این دو مولفه، آینده احتمالی برآمده از آنها را به تصویر می کشد. او این فعالیت ها را در بستری از ارزش های انسانی روشن و آشکار انجام می دهد؛ ارزش هایی که می توانند معیاری برای قضاوت و تصمیم گیری درباره میزان مطلوبیت آینده تصویر شده باشند. سپس آینده پژوه، این قضاوت ارزشی را با تبیین های ارائه شده از شرایط و پیش بینی های صورت گرفته در مورد پیامدهای احتمالی اقدام های ممکن، در می آمیزد و به این ترتیب، قادر خواهد بود، مجموعه ای از اقدام های امکان پذیر را که هدف از آنها، آفرینش مطلوب ترین آینده (بر مبنای قضاوت های ارزشی) است، طراحی و با انتخاب کند.

# تعریف آینده پژوهی

ری آمارا در تعریف آینده پژوهی اینگونه بیان می کند:

- هر تلاش نظام مندی که در جهت اصلاح فهم ما از پیامدهای آینده، ناشی از توسعه و انتخاب های کنونی باشد.
- هر تلاشی که در جهت روش مند کردن فرضیات و برداشت های ما در باب آینده باشد. این تلاش ها به سه دسته تقسیم می شوند: استنتاج آینده های احتمالی (هنر آینده گرایی)؛ استنتاج آینده های ممکن (علم آینده گرایی)؛ و استنتاج آینده های مطلوب (سیاست و روانشناسی آینده گرایی) (آمارا، ۱۹۷۴).

## تعریف آینده پژوهی

ضیاء الدین سردار در مورد ماهیت آینده پژوهی می گوید: «آینده پژوهی، کاوش درباره آینده، ستاره شناسی، طالع بینی، پیشگویی های مذهبی و امثال اینها نیست. برای این موارد می توانید از صفحه فال نشریات عامه پسند میستیک مگ و نوسترآداموس مشاوره بگیرید. آینده پژوهی در مورد بازارهای آینده، مبادلات آینده، معاملات آینده و قراردادهای آتی؛ موضوعاتی از جنس کابوس ها و سقوط های مالی هم نیست و البته هیچ ارتباطی هم با سبک هنری فیوچرسم که یک سبک هنری مربوط به اوایل قرن بیستم در ایتالیاست، ندارد».

همچنین وی بیان می کند: زمانی که آینده را پژوهش و کشف می کنیم، در واقع آینده (معینی) را مطالعه نمی کنیم؛ بلکه آینده ها را مطالعه می کنیم. واژه مفرد "آینده" که توجه ما را تنها بر یک آینده متمرکز می سازد، پیامدهای سیاسی جدی دارد و از لحاظ مفهومی نسبتا محدود است. در مقابل، جمع بستن آینده، بر اساس واژه گزینی فدراسیون جهانی آینده پژوهی، قلمرویی را بر روی تجسم و خلق آینده های دلخواه و بدیل می گشاید. از این رو، این حوزه پژوهش که به طور انتقادی، آینده ها را بررسی می کند به بهترین صورت به عنوان "آینده پژوهی" توصیف می شود و کسانی که درگیر آینده پژوهی هستند، آینده پژوه نامیده می شوند.

# تعریف آینده پژوهی

به علاوه ما واقعا نمی توانیم "آینده" را به طور مطلق مطالعه کنیم، پس ناگزیریم صریح باشیم و درباره آینده پدیده مشخصی صحبت کنیم (مانند یک شی، موضوع یا موقعیت) و سپس بررسی کنیم که دهه های آینده چگونه تغییر خواهد کرد، چگونه توسعه خواهد یافت و چگونه به نظر خواهد رسید. برای مثال ممکن است آینده اینترنت، آموزش و پرورش و ... را مورد بررسی قرار دهیم. البته موضوعی که روی آن تمرکز می کنیم، الزامات رشته ای خود را دارد. پیش از آنکه بتوانیم آینده خاورمیانه را بررسی کنیم، باید قدری در مورد علم اقتصاد یا سیاست بدانیم. در نتیجه، مطالعه آینده طبق تعریف، تلاشی چندرشته ای و فرارشته ای است.

# تعریف آینده پژوهی

جیمز دیتور در مورد ماهیت آینده پژوهی می گوید:

«آینده پژوهی آخرین فرزند نامشروع اثبات گرایی است که در دوره پسامدرن در حال رشد است. اثبات گرایی، زمانی آستن شده بود که افراد، علم پیشگویانه و کنترل کننده آینده را باور داشتند. اکنون می دانیم که این باور ممکن نیست. بنابراین می کوشیم دریابیم که آینده پژوهی چیست و فراموش نمی کنیم که هنوز بسیاری از افراد می خواهند قادر به پیشگویی و کنترل آینده باشند... آینده پژوهی در عوض پیشگویی آینده، به افراد کمک می کند، آینده را مجسم و ابداع کنند، نه آنگونه که در حال ایجاد یک طرح اولیه اجتناب پذیر باشند، بلکه به منظور ارائه حسی از جهت کنترل، با این فرض که به محض اینکه پیشروی به سوی آینده دلخواه خود را شروع کنید، پدیده های جدیدی را تجربه خواهید کرد، ایده های جدیدی را درباره یک آینده دلخواه جدید گسترش خواهید داد و تمایل خواهید داشت از ایده قبلی صرف نظر نمایید.»



# تعریف آینده پژوهی

البته آینده پژوهانی هم هستند که تنها متخصص پیش بینی اند و به جز آن انجام نمی دهند. اما اکثریت به مطالعه آینده های بدیل پرداخته، امکان های مختلف آینده را تصور و بررسی کرده؛ تصاویر و داستان های متنوعی درباره آینده خلق کرده، استعاره ها، اسطوره ها و مفروضات ضمنی را درباره جهان آینده تحلیل کرده و روش هایی برای کاوش آینده ها ایجاد می کنند. هدف از آینده پژوهی، گشوده نگاه داشتن آینده به روی تمام جایگزین ها و گزاره های بدیل و حصول اطمینان از این است که آن ایده ها درباره آینده، به سادگی تبدیل به گام هایی به سوی اشکال جدیدی از سرکوب، فشار و تعدی نمی شود.

# تعریف آینده پژوهی

یکی از مشهورترین و شیواترین تعاریف آینده‌پژوهی را وندل بل ارائه داده است. وی بر این باور است که آینده‌پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه‌ی ارزش‌های جامعه، آینده‌های مرجح را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده کمک کنند. هدف اصلی بل ارائه تعریفی بوده است که تمامی تعاریف موجود را در برگیرد. بنابراین از این حیث می‌توان توصیف بل را در مقایسه با تعاریف دیگران دارای مزیت دانست. بل تصریح می‌کند، آینده‌پژوهان، آینده‌های بدیل (Alternative) (آینده‌های ممکن (Possible futures)، محتمل (Probable futures) و مرجح (Preferable futures)) را می‌کاوند. این ایده مهم (تفکیک آینده‌های بدیل به سه دسته یادشده) از سوی آینده‌پژوهان بسیاری نظیر امارا (۱۹۸۱)، مارکلی (۱۹۸۳)، ماسینی (۱۹۹۳) و تافلر (۱۹۷۸) مورد تأکید قرار گرفته است. به تعبیر تافلر، آینده‌پژوهان سعی دارند با کاوش رویاپردازانه آینده‌های ممکن، بررسی نظام یافته آینده‌های محتمل و ارزشیابی اخلاقی آینده‌های مرجح، انگاره‌هایی نو و بدیل از آینده بیافرینند.

# تعریف آینده پژوهی

سهیل عنایت‌اله که یک آینده‌پژوه پاکستانی است نیز می‌کوشد، تعریفی کوتاه و رسا از آینده‌پژوهی ارائه کند. وی آینده‌پژوهی را مطالعه‌ی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده می‌داند (عنایت‌اله، ۲۰۰۷: ۱) یکی از نکات جالب و متفاوت دیدگاه عنایت‌اله، توجه ویژه‌ی او به جهان‌بینی و اسطوره‌ها است. وی تصریح می‌کند، آینده‌پژوهی کاملاً وابسته به ارزش‌ها، گفتمان‌ها و باورهای یک جامعه است. بنابراین در نگاه عنایت‌اله، آینده‌پژوهی می‌تواند به صفاتی چون غربی و شرقی توصیف شود.

وی به تازگی، بر اساس تعاریف خود و دیگر آینده‌پژوهان مطرح (ماسینی، بل، آمارا، سردار و سائول) کوشیده است تعریفی جامع و مورد اتفاق نظر اکثر آینده‌پژوهان ارائه کند. وی در این تعریف آینده‌پژوهی را مطالعه‌ی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح همراه با در نظر گرفتن جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های نهفته در هر آینده معرفی کرده است. وی تأکید می‌کند که آینده‌پژوهی در ۵۰ سال اخیر از پیش‌بینی آینده به سوی نگاشت آینده‌های بدیل و شکل‌بخشیدن به آینده‌ی مطلوب، گذار کرده است. هم در سطح فردی و داخلی و هم در سطح خارجی و جمعی این ارتقا در دانش آینده‌پژوهی رخ داده است (عنایت‌اله، ۲۰۱۲).

# تعریف آینده پژوهی

مولفه های کلیدی و ویژگی های اساسی آینده پژوهی بر اساس تعاریف و توصیف های مطرح در آینده پژوهی را می توان اینگونه بیان کرد:

- **مطالعه آینده ها:** در اغلب تعاریف ارائه شده برای آینده پژوهی، مطالعه آینده ها مورد تاکید قرار گرفته است. یکی از فعالیت های کلیدی آینده پژوهی، شناسایی و تحلیل آینده های ممکن، محتمل و مرجح است که در قالب کلی آینده های بدیل، مسیر پیش رو را ترسیم می کند.
- **پژوهش:** آینده پژوهی برای شکل بخشیدن به آینده ای مطلوب، نیازمند پژوهش علمی (گذشته نه آینده) است تا بر پایه آن بتواند، توصیه ها و تجویزهای لازم برای تحقق آینده مورد نظر فراهم شود. در آینده پژوهی، تجویز بدون پژوهش قابل استناد و تکیه نیست.
- **تلاش نظام مند:** تعاریف موجود نشان از آن دارند که به ثمر رسیدن آینده پژوهی، نیازمند تلاش نظام مند است و بدون مشارکت و تعامل افراد و سازمان های مختلف در قالب یک نظام، به نتیجه مشخصی نمی رسد. در این نظام، افراد مختلف، نقش های متفاوتی دارند و بدون یک نظام، فعالیت ها و تلاش ها از همگرایی و هم افزایی لازم برخوردار نیستند. بنابراین هر تلاشی در جهت توصیف و ساختن آینده، نمی تواند آینده پژوهی باشد.

## تعریف آینده پژوهی

- **تصمیم سازی:** آینده پژوهی دانشی است برای تصمیم سازی و می کوشد تا در این جهان آشوبناک و پیچیده که انبوهی از داده ها، سردرگمی و ابهام ایجاد کرده اند، فرایندهای تصمیم سازی و سیاست سازی پشتیبانی شده و راه برای تحقق آینده مطلوب هموار شود.

- **تجویز سازی:** آینده پژوهی برای ساختن آینده، تجویزهای کارآمدی ارائه می کند که اقدام بر اساس آنها، سبب جهت دهی آینده به سوی مطلوبیت می شود. هر چند این تجویز باید بر اساس پژوهش و شناسایی احتمالات آینده باشد. نکته قابل توجه آن است که ارائه تجویز در تعاریف متأخر آینده پژوهی، نمایان شده که ناشی از تحول تاریخی آینده پژوهی است. در گذشته تجویز از پژوهش و ترسیم احتمالات آینده تفکیک می شد و بر تجویز تاکیدی وجود نداشت؛ اما با رشد آینده پژوهی، مشخص شد که تحقق آینده مطلوب که هدف غایی آینده پژوهی است، بدون فرایندی که در آن پژوهش و تجویز در هم تنیده باشند، میسر نخواهد بود. بنابراین در تعاریف متأخر آینده پژوهی، به تجویز سازی توجه شده است.

## تعریف آینده پژوهی

با بررسی و تحلیل عمیق آینده پژوهی، می توان دریافت، ویژگی های اساسی آینده پژوهی، پژوهش گذشته، ارائه تجویز و تعیین اقدام در زمان حال با هدف شکل بخشیدن به آینده مطلوب است. به عبارت دیگر آینده پژوهی می کوشد، برای برپایی آینده مطلوب، مجموعه اقدامات مورد نیاز افراد، سازمان ها و نهادهای مختلف را تعیین کند. برای این منظور لازم است که بر اساس پژوهش گذشته، تجویزهایی ارائه کند که اقدامات به هم پیوسته و هدفمند را مشخص سازد. افق زمانی مورد نظر در آینده پژوهی، آینده به معنای لحظه ای فراسوی زمان حال است و قلمرو موضوعی آن نیز تمامی حوزه های تاثیرگذار بر شکل بخشیدن به آینده را در بر می گیرد.

**با تشکر از توجه و همراهی شما**